

نمایش تأثیرگذار



صغری ملکی

معاون آموزشی دبستان، آموزش و پرورش شهریار

فیلم در خدمت اهداف نگرشی محیط زیست

کلاس بدون عقب‌نشینی و تخطی از قانون و هدف موردنظر، آن را به شکل عادت در بچه‌ها درآورد، از بزرگ‌ترین چالش‌های این روش است. با احترام به تمامی معلمان، متأسفانه این روزها برخی معلمان تنها به حیطة دانستنی‌ها، آن هم تنها سطح دانش و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، سطح درک و فهم می‌پردازند. آنان دغدغه‌ای برای پرورش مهارت‌ها ندارند و ایجاد نگرش‌های مناسب در دانش‌آموزان را شاید اصلاً وظیفه خود نمی‌دانند. وجود معلمان فکور، مستعد و علاقه‌مند اصلی‌ترین مؤلفه در میان عناصر برنامه درسی است که در نظام آموزشی ما بسیار کم به آن توجه می‌شود.

به هر صورت، در زمینه ایجاد و پرورش نگرش‌ها، یکی از اساسی‌ترین مسائل وجود معلمان حرفه‌ای و متعهد است. به خصوص که در آموزش اهدافی از این دست، نقش الگویی معلم نیز موردنظر است.

یکی دیگر از راه‌های پرورش نگرش در کودکان و حتی بزرگسالان استفاده از فیلم است. هیچ‌کس نمی‌تواند قدرت و تأثیر فیلم را بر شخصیت و ابعاد روانی فرد نادیده بگیرد. مسائلی مانند هجوم فرهنگی از طریق ماهواره که این روزها در بسیاری از کشورها و حتی کشور ما نیز مطرح است، تأییدی است بر تأثیر این ابزار بر لایه‌های شخصیتی و درونی افراد. حال که این ابزار تا به این حد قدرتمند است، می‌توان از قدرت آن در خدمت ایجاد نگرش‌ها و اهداف مطلوب در مدرسه و

«حفظ محیط‌زیست» هدفی نگرشی است که در برنامه ملی تمامی کشورها وجود دارد و رسیدن به آن به آرمانی جهانی بدل شده است. اما رسیدن به این هدف نگرشی، از چه راهی ممکن است؟ به راستی با چه روش، رسانه و ابزاری می‌توان به حیطة عاطفی دانش‌آموزان وارد شد، آن‌ها را با هدفی نگرشی آشنا و در تودرتوی شخصیتشان جاسازی کرد؟ کدام رویکرد و نظامی می‌تواند مدعی چنین عملکردی باشد؟

بی‌شک پرداختن به اهداف نگرشی آنجا که به محدوده روان، عاطفه و شخصیت دانش‌آموزان مربوط می‌شود، از چالش‌برانگیزترین موضوعات تعلیم و تربیت در تمامی نظام‌هاست. تکلیف اهداف دانشی و حتی مهارتی در هر نظام آموزشی تقریباً روشن شده است. این اهداف نحوه آموزش شناخته شده، روش‌ها و رسانه‌های ویژه خود و حتی ابزارهای ارزشیابی مخصوص خود را دارند. در نهایت نیز تحققشان تقریباً به راحتی قابل مشاهده و اندازه‌گیری است.

اما در حیطة نگرش‌ها، آنجا که باید در دل‌ها نفوذ کرد و بر روان دانش‌آموزان تأثیری ماندگار گذاشت، چگونه باید عمل کرد؟ کتاب «راهنمای علوم دبستان» راه نسبتاً خوبی را برای اهداف نگرشی پیشنهاد کرده است. در این کتاب توصیه شده است، در طول یکی دو سال اول دوره ابتدایی، هر سال روی تنها یک یا دو نگرش کار شود و معلمان بکوشند همان یک یا دو نگرش به تمام و کامل در وجود دانش‌آموزان رسوخ کنند. مثلاً در کلاس اول نگرش «رعایت نوبت و حق دیگران»، در کلاس دوم «حفظ پاکیزگی کلاس» و... بیان و از معلمان خواسته شده است، به جای پراکندگی و انبوهی از اهداف، تنها روی یک یا دو نگرش به شکلی عمیق کار شود.

این روش، روش خوبی است اما مشکلات و چالش‌های خودش را نیز دارد. وجود معلمی آگاه که ابتدا این اهداف را برای خود به درستی تبیین و روشن کند و سپس به‌طور مستمر در لحظه لحظه



یکی دیگر از راه‌های پرورش نگرش در کودکان و حتی بزرگسالان استفاده از فیلم است. هیچ‌کس نمی‌تواند قدرت و تأثیر فیلم را بر شخصیت و ابعاد روانی فرد نادیده بگیرد

بطری، سرخودکار، قطعه‌های شیشه، قطعه‌های آهن و... . فیلم به عقب می‌رود و باز لحظه غذا دادن پدر و مادر را نشان می‌دهد. در یک آن از خود می‌پرسی: «آخر این پدر و مادر واقعاً نمی‌دانند در منقار خود چه دارند و جوجه‌ها چرا با این ولع این مواد را از حلق والدین خود می‌ربایند؟» اما به خود می‌گویی: «به‌هر حال این‌ها حیوان هستند و ساحل مملو از این اشیاء.» فیلم با موسیقی غمگین و با جملاتی به زبان انگلیسی و با تصویر جان‌کندن انبوهی از جوجه‌ها تمام می‌شود و تو می‌مانی و غم، تعجب و پره‌ای کرکی جوجه‌های مرده که در باد حرکت می‌کنند.

من امسال این فیلم را برای معلم، مدیر و دانش‌آموزان مدرسه‌مان نمایش دادم. سکوت عمیق اولین عکس‌العمل همه آن‌ها بود. بعد از سکوت، بچه‌ها با جمله‌هایی نظیر این‌ها احساس خود را بیان می‌کردند:

- خانم، خیلی دلمون سوخت! ...
- خانم، گریه‌مون گرفته! ...
- خانم، آخه چرا؟ ...

جمله‌های بزرگ‌ترها کمی منطقی‌تر بودند، از جمله اینکه: «آخه این پدر و مادر نمی‌گن چی دارن به این جوجه‌ها می‌دن؟!» و صحبت‌های دیگری که همه حکایت از تأثیر این فیلم بر وجودشان می‌کند.

چندی پیش، یکی از همکارانم را دیدم. او که چهار پنج ماه قبل از این دیدار، فیلم را برایش فرستاده بودم، حرفی زد که برایم خیلی جالب بود: «از وقتی که این فیلم را دیده‌ام، بسیاری از عادت‌های من عوض شده‌اند. معمولاً در اتومبیل زباله‌های هرچه را که می‌خوردم، از ساندویچ گرفته تا آب، نوشابه، تنقلات و... نه در خیابان و مکان‌های عمومی که در فضاهای باز و بیابانی می‌ریختم. از روزی که این فیلم را دیدم، دیگر هربار که می‌خواهم زباله را از اتومبیل بیرون بریزم، به یاد این فیلم و پرندگانی می‌افتم که در این محیط‌ها زندگی می‌کنند. اصلاً دیگر زباله‌ها را در بیابان و فضاهای این‌طوری نمی‌ریزم.»

کلاس بهره گرفت. می‌توان به‌جای ساعت‌ها سخنرانی در باب فایده و مزیت رسیدن به هدفی، تنها فیلمی کوتاه ولی قدرتمند در کلاس نشان داد.

«حفظ محیط‌زیست» هدفی نگرشی است که امسال در مدرسه ما با یک فیلم کوتاه ولی قدرتمند پیگیری شد؛ فیلمی که من از طریق ایمیل از یکی از دوستانم دریافت کردم. فیلمی که اگر بخواهم در یک کلمه از آن یاد کنم، تنها واژه «دردناک» به ذهنم می‌آید. این فیلم ساحل بسیار کثیف پر از زباله را که اکثر زباله‌های آن، مواد پلاستیکی، شیشه، آهن و... است، نشان می‌دهد و همچنین انبوهی از پرندگان دریایی را که در واقع در محیط‌زیست خود زندگی می‌کنند. پژوهشگری با دوربینی در دست، زندگی این پرندگان را از لحظه تولد به تصویر می‌کشد. پژوهشگر به زیبایی پدر و مادری را که در کنار تخمی انتظار می‌کشند، جوجه‌ای را که سر از تخم بیرون می‌آورد، و پدر و مادری را که به نوبت به او غذا می‌دهند، تصویربرداری می‌کند.

اما بعد از چند روز جوجه‌های بی‌شماری را نشان می‌دهد که در ساحل با شکم‌های باد کرده در حال مردن و جان‌کندن هستند. علت مرگ آن‌ها چه می‌تواند باشد؟ باورش بسیار سخت است! عجیب‌ترین و دردناک‌ترین اتفاقی که می‌تواند افتاده باشد. دوربین نفس‌های آخر جوجه‌ها و پس از مرگ، شکم باز شده جوجه‌های مرده را نشان می‌دهد. شکم جوجه‌ها پر است از در

